

راه‌های تعلیم خدانشناسی به کودکان در شعر کودک

حجت‌اله امیدعلی*

علی اسکندری**

چکیده

بی‌گمان تعلیم گزاره‌های بلند و متعالی قرآنی به کودکان آن هم به شیوه‌ای پویا و مؤثر ظرافت خاصی می‌طلبد. این مقاله با هدف بررسی راه‌های تعلیم اندیشه دینی خدانشناسی در ادبیات کودک در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که تعلیم خدانشناسی در شعر کودک چه اهمیتی دارد؟ شاعران ادبیات کودک با چه شگردهایی تلاش می‌کنند که کودک را بیشتر با خدا آشنا کنند تا تعلیم این اندیشه اساسی دینی جذاب و مؤثر واقع شود؟

روش تحقیق، تحلیل محتواست که پس از مطالعه مجموعه‌های شعری شاعران ادبیات کودک که با موضوع خدانشناسی مرتبط بودند، شگردهای تعلیم خدانشناسی به کودک استخراج شد. معرفی صفات خداوند، آشنا کردن کودک با پدیده‌های طبیعی، یادآوری و برجسته کردن نعمت‌های الهی، آموزش دعا و نیایش از جمله راه‌های شناساندن خدا به کودک در شعر کودک است.

واژگان کلیدی: ادبیات کودک، خدانشناسی، آموزش و پرورش، تربیت کودک، شعر کودک.

مقدمه

تعلیم و تربیت دینی کودکان و نوجوانان و استفاده از روش‌های مطلوب آموزشی و تربیتی، پیوسته مورد توجه دینداران بوده است. تربیت دینی تدارک فرصت‌هایی است که فرد باتجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، باورها و عقاید دینی را در خود پرورش دهد (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۵، ص ۶۴). این نوع تربیت در یک بستر فرهنگی مناسب و بر مبنای باورها، قواعد و مفاهیم دینی جامعه شکل می‌گیرد که اگر این باورهای پایه، صحیح و عمیق باشند، کارکرد و تأثیر مثبت خود را دارند.

قرآن کریم، این چشمه‌سار زلال معرفت الهی، در طول زمان، منشأ پیدایش علوم بسیاری در تمدن با شکوه اسلام شده و از آن جمله در آثار ادبی فارسی - شعر و نثر - انعکاس گسترده‌ای داشته است. بخش وسیعی از ادبیات پر بار فارسی الهام گرفته از مضامین قرآنی است و اگر کسی با آموزه‌های دینی و قرآنی بیگانه باشد، نمی‌تواند از خوان گسترده ادبیات فارسی به‌صورت کامل بهره بگیرد. این موهبت الهی، سرشار از مفاهیم و اصول تربیتی است که به همان اندازه که جنبه محتوایی آن، متعالی است و ویژگی‌های ادبی اش نیز جایگاه والا و ارزشمند دارد.

شاعران، به‌عنوان یکی از مریبان جامعه، نقش زیادی در تکمیل یا تخریب تعلیم و تربیت دینی در جامعه دارند. آنها به دنبال دست‌مایه‌هایی برای پرداخت و انتقال اندیشه و عواطف شاعرانه خود به شکلی هنری و آراسته و عمیق هستند و از حوزه‌های گوناگون سود جستند. در این میان قرآن از گسترده‌ترین عرصه‌هایی بوده که تخیل و اندیشه شاعر در آن وارد شده است. اگرچه گاهی زیرساخت برخی اشعار بر پایه اصطلاحات و مفاهیم قرآن است، اما نوع پرداخت شاعر چنان بوده که انعکاس مستقیم و محسوس قرآن از آن دریافت نمی‌شود. همچنین ادبیات کودک به دلیل سطح درک و دانش مخاطب، از جمله عرصه‌هایی است که نیازمند برداشت‌های غیرمستقیم از مفاهیم و گزاره‌های عمیق و متعالی قرآن و انتقال آن در فضایی خیال‌انگیز و کودکانه است.

از آنجایی که انسان به‌طور فطری خداجوست، همین میل فطری، او را به سمت خدا می‌کشاند. یکی از مسائل مهمی که از دوران کودکی ذهن او را مشغول می‌کند، پرسش‌هایی در ارتباط با خدا و خداشناسی است. دوران کودکی، بهترین زمان آموزش مفهوم خداست. آشنایی و اعتقاد به خدا برای او هویت‌بخش است. این آشنایی کودک با خدا نه تنها از بُعد مذهبی ارزشمند است؛ بلکه تربیت دینی نوعی تربیت شخصیتی است؛ زیرا دین، انسان‌ساز است. گفتنی است که هدف از تربیت رسیدن به هویتی پایدار است و چنین وضعیتی از راه تلقین یا اجبار به دست نمی‌آید؛ بلکه پایبندی به باورهای دینی، زمانی مؤثر و پایدار است که حاصل تلاش فردی با اتکا به کاوش عملی و نظری باشد. «اندیشیدن درباره خدا امری دستوری نیست؛ بلکه یک فرایند اجتماعی و تدریجی است که در طول دوره رشد برای کودک اتفاق می‌افتد... و به اندازه زیادی در یک تعامل اجتماعی

صورت می‌گیرد» (نوذری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱) و استفاده از روش آموزش مفهوم خدا به بزرگسالان برای کودکان مؤثر نیست؛ چون ذهن کودک در حال رشد و شکوفایی است و تصورات متفاوتی با ذهن بزرگسالان دارد. باید خدا و خداشناسی متناسب با درک، فهم و مراحل زبان‌شناسی کودک باشد. باید دانست که در هر مرحله سنی چه مفاهیمی را و به چه شیوه‌ای به کودکان آموزش داد. با وجود آنکه ادبیات کودک به نسبت دیگر انواع ادبی نوپا و جدیدتر است، پژوهش‌های ارزنده و زیادی در این راستا انجام شده است؛ اما تا ادا شدن حق مطلب، راه زیادی باقی و همت و تلاش زیادی لازم است. تعدادی از پژوهش‌ها که تا حدودی در راستای موضوع مقاله هستند عبارت‌اند از: استاذزاده (۱۳۹۱)؛ باهنر (۱۳۸۸)؛ نعیمی (۱۳۷۹)؛ محمدی (۱۳۹۱)؛ سلیمانی و همکاران (۱۳۹۵) و... گفتنی است با توجه به جستجوها، تاکنون تحقیقی که موضوع مقاله حاضر را در ادبیات کودک بررسی کرده باشد، انجام نشده است.

در این مقاله اشعار شاعران برجسته و مشهور ادبیات کودک از دیدگاه چگونگی آشنا کردن کودکان با خدا و راه‌های آموزش خداشناسی به کودک بررسی می‌شود. این شاعران با الگو گرفتن از آیات قرآن، مفاهیم خداشناسی را متناسب با درک و فهم کودک و با شگردهای کودکانه کردن زبان و مفاهیم قرآنی، کودکان را بیشتر با خدا آشنا می‌کنند. در این اشعار خدا با رویکردی عاطفی به کودک معرفی می‌شود؛ به گونه‌ای که شاعر به جای کودک می‌نشیند، به جای او و با زبان او شعر می‌سراید و این امر، بار عاطفی شعر را بیشتر می‌کند.

بحث اصلی

راه‌های آموزش و تعلیم خداشناسی به کودک اهمیت بسیاری دارد. «از آنجایی که مفهوم خدا، مفهومی تحولی و وابسته به سن و ظرفیت‌های ذهن کودکان است، نخست کودکان خدا را با گرایش‌هایی نظیر جاندارپنداری، ساخته‌پنداری و انسان‌پنداری درک می‌کنند و سپس واجد تفکر واقع‌نگر و انتزاعی می‌شوند» (اسکندری، ۱۳۷۳، ص ۸). روان‌شناسان زیادی در این زمینه کار کرده‌اند که پیازه یکی از برجسته‌ترین آنهاست. از نظر پیازه، یادگیری مفاهیم و اصول انتزاعی (مثل خدا) مستلزم رسیدن کودک، به مرحله تفکر انتزاعی است. طبق این نظریه، تنها کودکانی که به مرحله تفکر انتزاعی رسیده باشند (یازده سال به بالا)، می‌توانند بر مطالب انتزاعی تسلط یابند و کودکان مرحله پایین‌تر (شش تا یازده سال) تنها قادر به درک مفاهیم عینی یا محسوس هستند؛ زیرا تفکر آنان در قالب امور و اشیای محسوس انجام می‌پذیرد (ر.ک: سیف، ۱۳۸۸، ص ۸۴).

یکی دیگر از کسانی که به موضوع رشد و تکامل تفکر دینی توجه کرده، رونالد گلدمن است که براساس پژوهش‌های وسیع میدانی خود، دو کتاب در این زمینه نوشته است. در نظریه وی،

وجود سه مرحله تفکر شهودی، عملیات عینی و عملیات صوری در درک مفاهیم دینی وجود دارد (ر.ک. باهنر، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶). پژوهشگر دیگری با تأثیر پیش فرض‌های متافیزیکی بر درک کودکان از مفاهیم دینی، به نتایج دیگری دست یافته است. پتروویچ در تحقیق خود، در مصاحبه‌هایی که با کودکان سه تا چهار ساله درباره مفهوم خدا کرد، از کودکان خواست تا اشیای طبیعی و دست‌ساز انسان را از هم تفکیک کنند. سپس از کودکان درباره منشأ هریک از آنها پرسید، وی نتیجه گرفت که نارسایی رشد مفاهیم دینی ذاتی نیست و کودکان تصور انسان‌گونه از خدا را از بزرگسالان می‌گیرند (ر.ک: محسن‌پور، ۱۳۸۸، ص ۲۹).

براساس سنت و رهنمودهای امامان معصوم (علیهم‌السلام) آموزش دینی و عبادی از هنگام تولد شروع می‌شود؛ زیرا تربیت در دوره کودکی پایه و اساس رشد و بالندگی معنوی در دوره‌های بعدی خواهد بود. غزالی معتقد است: «تربیت دینی باید از سنین پایین آغاز شود؛ زیرا در این سن کودک بدون طلب دلیل و برهان، آماده پذیرش عقاید دینی است. از طرف دیگر، نهادینه کردن معانی دینی با تلقین و تقلید آغاز می‌شود و سپس با توجه به مراحل گوناگون رشد، دستورات مناسب هر مرحله به تدریج عرضه می‌شود و در پایان به پدید آمدن باورهای عمیق و محکم در ذهن انسان می‌انجامد» (به نقل از فضل‌الله، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹).

بنابراین راه خداجویی و شناساندن خدا به کودک از درون خانواده شکل می‌گیرد و در آموزه‌های اسلام آشنا کردن با مفاهیم دینی و جنبه‌های رفتاری آن و نیز راهنمایی او به سوی خدا، از وظایف پدر و مادر شمرده شده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (طه، ۱۳۲). گفتنی است که دلیل عمده عدم موفقیت درباره تربیت دینی کودکان، نقص در برنامه‌هاست، نه در کودکان. آگاهی نداشتن از برداشت‌های کودکان، تعلیم و تربیت ما را دچار نقص‌ها و کمبودهای گوناگونی خواهد کرد؛ از جمله اینکه سبب خواهد شد معارف دینی در سطوحی ارائه شود که با فهم کودکان متناسب نباشد و گاه این مایه خستگی و دل‌زدگی آنان از معارف دینی و حتی اصل اسلام می‌شود.

افزون بر اینکه تفکر خام و محدود، آنان را نه تنها از تصورات و برداشت‌های غیرواقعی نجات نمی‌دهد؛ بلکه این تصورات دور از واقعیت را تقویت خواهد کرد؛ زیرا کودک ناچار است برای درک مفاهیمی فراتر از استعداد خویش، به همان تفکرات کودکانه و خام روی آورد و از این طریق خود را قانع کند. اگر خدا را آن‌گونه که ما بزرگ‌ترها درک می‌کنیم، به او نشان دهیم و از مضمون‌ها و راه‌های کلیشه‌ای استفاده کنیم، کودک به یادگیری این مفهوم علاقه‌ای نشان نخواهد داد؛ بلکه باید راه‌های تازه را سنجید؛ برای نمونه از گفتار غیرمستقیم کمک گرفت و خود کودک را در جریان یادگیری شرکت داد و از راه عشق و مهربانی این مفهوم را به او القا کرد؛ زیرا آنچه کودک بیش از هر چیز دیگر به آن احتیاج دارد، عشق و مهربانی است (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

از این روی، ضروری است دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی با پژوهش‌ها درباره برداشت کودکان و نوجوانان از مفاهیم دینی آشنا شوند و یافته‌های آنها را مد نظر داشته باشند. از این منظر، ادبیات می‌تواند راهی مناسب برای یادگیری این‌گونه مفاهیم باشد؛ در گونه‌های ادبی رایج، یعنی شعر و داستان، شعر به دلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه مانند موسیقی و صور خیال و بار عاطفی زیاد می‌تواند نقش مؤثرتری در آموزش مفهوم خدا به کودک داشته باشد؛ بنابراین ما نیازمند تعامل معنوی با کودک از طریق ادبیات و هنر هستیم.

۱. معرفی پدیده‌های طبیعی

در رویکردی عرفانی، یکی از راه‌های اساسی شناخت خدا، درک تجلی خداوند در پدیده‌های عالم است؛ به این معنا که خلق عین حق است و خالق و مخلوق از هم جدا نیستند. عالم وجود، پرتو تجلی حق است و خدا در صورت عالم جلوه‌گر می‌باشد:

چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست
... هر جا نگری جلوه‌گر شاهد غیبی است او را نتوان گفت کجا هست و کجا نیست

(عبرت نائینی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۹)

شاعر کودک برای رسیدن به هدف غایی که خداشناسی است از آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ حَوَافًا وَطَمَعًا وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم، ۲۴) استفاده می‌کند و با زبانی کودکانه این مفاهیم را این‌گونه می‌سراید:

در غرش رعد/ در ناله باد/ در گریه ابر/ بر دشت آباد// در قامت کوه/ در چهره خاک/ در غنچه گل/ در چشمه پاک// در هر ستاره/ در نور خورشید/ در روی مهتاب/ وقتی که خندید// در بیشه سبز/ در کوچ مرغان/ در پیچش رود/ در شعر باران// هر گوشه دیدم/ لطف خدا را// من دوست دارم / این آیه‌ها را (علاء، ۱۳۹۰، ص ۲).

در تعلیم و تربیت اسلامی آنچه می‌تواند انسان را از هر جهت رشد و تعالی دهد، تفکر است. با تفکر می‌توان به اصلاح و تربیت نفس پرداخت. در واقع تفکر شرط ضروری بهره‌مندی از اختیار و تصمیم‌گیری است و تصمیم‌گیری وقتی میسر می‌شود که انسان قبل از آن به‌درستی به تفکر پرداخته باشد، این امر در تربیت کودکان بسیار مهم است. جهان آفرینش، کتاب آیات الهی و هر کدام از پدیده‌ها حروفی و کلمه‌ای از آن و مجموعه‌ای از شگفتی‌ها هستند که راز آفرینش انسان، آسمان و زمین، شب و روز، ماه و خورشید، آب و باد و باران، کوه‌ها و... (الرحمن، ۱۴؛ انعام، ۲؛ حجر، ۳۳؛ مریم، ۶۷؛ روم، ۲۲ و...) را در خود دارند. اندکی تأمل و

تفکر در زیبایی‌ها و پدیده‌های طبیعت، ابزاری کارآمد است که می‌تواند ذهن هر پرسشگر حقیقت‌جو را به تفکر وادارد و به سر منشأ هستی رهنمون کند. آیه: «... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱) و «وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (یوسف، ۱۰۵) و آیات متعدد دیگر از قرآن (آل‌عمران، ۱۹۱؛ رعد، ۳ و ۴؛ نحل ۱۱ و ۱۲؛ مؤمنون، ۸۰؛ جاثیه، ۱۳؛ روم، ۲۴، ۲۸ و...) انسان را به تدبیر و تفکر در نشانه‌های هستی دعوت کرده و هدف اصلی آن، رساندن انسان به حقیقتی بزرگ یعنی شناخت خداوند متعال است.

بهترین زمان آموزش، دوران کودکی است؛ زیرا اعتقاد به خدا، به زندگی او جهت می‌دهد و درک معنای زندگی، بسیار کمک‌کننده است. شاعران کودک نیز بر همین مبنای قرآنی خداشناسی را تعلیم داده‌اند. شاعران کودک برای شاعرانه ساختن و ایجاد تناسب موضوع و مخاطب، به اقتضای فهم و درک مخاطب از مظاهر آشنای طبیعت که در حوزه ذهنی کودک وجود دارد، استفاده کرده‌اند و با این روش لحنی کودکانه به شعر بخشیده‌اند؛ آنچنان‌که در این ابیات دیده می‌شود که شاعر از گل‌ها و درختان، کودک را متوجه خالق می‌سازد و با اشاره به نقاشی که یکی از علایق کودک است، خداوند را نقاش گل‌ها و گیاهان می‌داند:

دیروز می‌گشتم / در باغ زیبایی // آنجا پر از گل بود / به چه گل‌هایی // برگ درختان را / باران صفا می‌داد // دلتنگی گل را / بلبل شفا می‌داد // گفتم به گوش باغ، / این نقش‌ها از کیست؟ // پیداست استاد است / نقاشی‌اش عالی است // آن باغ زیبا گفت: / نقاش این دنیا، // تنها خداوند است / آن خالق یکتا (صمصامی، ۱۳۹۵، ص ۸۴-۸۵).

که شعر بالا ارتباط مفهومی نزدیک با آیات قرآن دارد:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام، ۱۴۱) همچنین: (فرقان، ۴۸)؛ (حج، ۶۴) و (توبه، ۸۹).

باز از همین نوع است شعر زیر که شاعر در آن از مظاهر آشنای طبیعت که مطابق تخیل، علاقه و میل کودک است، همچون سنجاقک، رنگین‌کمان، درخت، گل، پروانه و... بهره گرفته است:

به نام خداوند رنگین‌کمان / خداوند بخشندهٔ مهربان // خداوند سنجاقک رنگ رنگ / خداوند پروانه‌های قشنگ // خدایی که آب و هوا آفرید / درخت و گل و سبزه را آفرید // خدایی که از بوی گل، بهتر است / صمیمی‌تر از خنده مادر است // خدایا به ما مهربانی بده / دلی ساده و آسمانی بده // دلی صاف و بی‌کینه، مانند آب / دلی روشن و گرم، چون آفتاب (پوروهاب، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

یکی از شیوه‌های مهم شاعران، برگزیدن لحن مناسب مخاطب است؛ به گونه‌ای که وقتی حتی شعری در زمینه خداشناسی تضمین می‌کنند سعی دارند لحن را تغییر دهند. کریمی در تربیت دینی

کودکان به مسئله توجه به زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک عنصر اساسی، توجه فراوانی کرده است. به باور وی: «هدف از عنصر زیبایی‌شناسی در تربیت این است که هرگونه اثر تربیتی در قالب رفتار، کلام، الگو، نصیحت، تجربه، آموزش و... به پرده‌ای زیبا با تصاویری دلنشین همراه با لحظات جذبه از درون متری بدل شود. در غیر این صورت مهم‌ترین، حقیقی‌ترین و درست‌ترین رفتارها و پیام‌ها و نصیحت‌ها نه‌تنها مؤثر نخواهد بود؛ بلکه زمینه کار تربیتی را در مراحل بعد نامساعد می‌سازد» (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۹۷)

شاعر کودک برای تعلیم خداشناسی، تدبیر در شگفتی‌های طبیعت مانند آسمان، زمین، آب، گیاه، آفتاب، باران و... را شگردی مناسب و گیرا برای آشنایی کودک با خدا می‌داند. در قرآن هم در آیاتی به این امر اشاره شده است: «وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ» (ذاریات، ۲۰)، «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّهُ لِهَمِّ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵۳).

گفتنی است شاعران ادبیات کودک از ظرفیت‌های زبانی موسیقی و تخیل در تصویر زیبایی‌های طبیعت برای برانگیختن عواطف و همسوسازی کودک با طبیعت استفاده می‌کند تا با بیانی زیبا توجه کودک را به جهان پیرامون و زیبایی‌های اطراف جلب نماید. در شعر زیر، شاعر برای آشناسازی کودکان با خدا به طریق هستی‌شناسی، بیت معروف سعدی را در شعر خود حل کرده و برای آنکه فهم آن برای کودک دشوار نباشد به تفسیر آن پرداخته است:

سعدی شیرین سخن / گفت به فصل بهار: / "برگ درختان سبز" / با خط رخشان سبز، / هر ورقش
دفتری است، / معرفت کردگار // "معرفت کردگار" / دیدن این عالم است، / زنده بیدار باش، / چشم
خریدار باش، / خوب جهان را ببین، / هرچه بینی کم است. // بر ورق سبز برگ / خط خدا را بخوان، /
زمزمه آفتاب، / نغمه شیرین آب، / نثر دل‌انگیز خاک / شعر هوا را بخوان. // "برگ درختان سبز /
در نظر هوشیار" / آینه رازهاست، / جلوه روی خداست / "هر ورقش دفتری است / معرفت کردگار"
(کیانوش، ۱۳۵۸ الف، ص ۵۹-۶۰).

۲. یادآوری و معرفی نعمت‌های خداوند

یک وظیفه تربیت دینی این است که به متری بیاموزد که به سادگی و با چشمان بسته از کنار تجربه‌ها و موقعیت‌های خویش نگذرد؛ بلکه با دقت و تأمل خاص آنها را مورد توجه قرار دهد. معرفی و شناخت نعمت‌های خداوند به کودکان تأثیر فراوانی در تربیت دینی آنها دارد. خداوند نعمت‌های پنهان و آشکار بی‌شماری را در جهان هستی برای انسان موهبت نموده است و قرآن کریم آشکارا به این موضوع اشاره دارد: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ وَ أَسَبَّحَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» (لقمان، ۲۰) تا نعمت‌های خداوند را یادآوری کند و انسان گرفتار غفلت و بی‌خبری به خود آید و در این نشانه‌ها به تفکر و تدبیر بپردازد.

بنابراین یادآوری و تکرار نعمت‌های الهی یکی از شیوه‌های مؤثر تربیتی قرآن است. این تکرار و تأکید برای به یاد داشتن نعمت‌ها جهت تدبیر و آگاهی انسان و اینکه آفرینش او بیهوده نیست، بلکه برای هدفی والا است که آغاز آن شناخت طبیعت، خود و انجام آن شناخت خداوند همراه با آرامش و ایمان قلبی است: «... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (آل عمران، ۱۹۱) و درآیه «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (اعراف، ۶۹) و آیاتی دیگر (بقره، ۲۳۱؛ آل عمران، ۱۰۳؛ فاطر، ۳؛ اعراف، ۷۴) با لفظ «اذکروا» و «فاذکروا» نعمت‌ها و موهبت‌های الهی به انسان یادآوری می‌شود.

شیوه یادآوری نعمت‌های بی‌شمار الهی یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی و غیرمستقیم برای آگاهی‌بخشی و رشد معنوی انسان‌ها و ایجاد حس شکرگزاری، خضوع و پرستش برای ادای حق الهی است. «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ؛ پس به کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان تردید روا می‌دارید؟» (الرحمان، ۱۳)؛ «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ؛ آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند» (اعراف، ۱۸۵).

حضرت علی (علیه السلام) در ناتوانی انسان از حمد خدا و شمارش نعمت‌هایش می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُّونَ: سپاس خدایی را که سخنوران در ستودن او بمانند و شمارگران شمردن نعمت‌های او ندانند» (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۲).

شاعران ادبیات کودک نیز با الهام از این شیوه تربیتی دینی، انواع نعمت‌های الهی را با زبان و تصویرهایی متناسب با کودکان نشان می‌دهند تا مخاطبان آنها ضمن شناخت خداوند، ستایش‌کننده و سپاسگزار خالق خود باشند و ضمن شکرگزاری، عشق و محبت عمیق الهی را در دل خود جای دهند تا با این روش در مسیر تربیت دینی درست و پرورش و رشد شخصیت خود پویا باشند. شاعر کودک با تجلی مفاهیم دینی و بازآفرینی آموزه‌های قرآنی افزون بر بروز احساسات، بیان اندیشه و اعتلای شعر خود، کودک را غیرمستقیم به خداشناسی رهنمون و با رستگاری آشنا می‌کند:

شبنم از اوست، آفتاب از اوست / آتش و باد و خاک و آب از اوست / در دل باغ و کهکشان هر شب / شاخه روشن شهاب از اوست / گریه ابر و خنده خورشید / نور باران ماهتاب از اوست / سبزی و زردی و بهار و خزان / رنگ و بوی گل و گلاب از اوست / غم و شادی و مهر و بیم و امید / هرچه خواندیم در کتاب از اوست / روی دفتر اگرچه نام من است / همه شعرهای ناب از اوست (نیک‌طلب، ۱۳۹۴، ص ۶).

آشناسازی کودک با نعمت‌های الهی باعث می‌شود که کودک نسبت به این نعمت‌ها و خداوند شکرگزار باشد: می‌شمارم سبزه‌های دشت را / می‌شمارم برگ‌های باغ را / می‌شمارم سیب‌ها را بر

درخت/ می‌شمارم بانگ کبک و زاغ را/ ... می‌شمارم نام‌هایت را خدا/ تا بدانم مهربانی چندتاست! مهربانی، بی‌نهایت، بی‌شمار/ از شمارش خارج و بی‌انتهاست (ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص ۴).

شکر، نگهبان و حافظ نعمت مؤمن و یکی از مراتب کمال انسان است. اینکه دیده می‌شود نعمت انسان‌های ناسپاس گاه برقرار است به بیان قرآن کریم برای استدراج است؛ یعنی نعمت وسیله‌ای برای دورتر شدن او از خداوند می‌شود. حالت شکر و سپاس، وقتی در انسان پدید می‌آید که نعمت‌شناس باشد و هرچه نعمت دارد همه را از خدا بداند و برخوردار می‌شود خود را از نعمت‌های الهی فوق استحقاق خود تصور کند و همیشه خود را مدیون لطف خدا ببیند؛ در نتیجه احساس تکلیف کند که زبان به شکر خدا بگشاید. «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷) و آنگاه که شکر نعمت به جای آورد این خود باعث فزونی نعمت می‌شود:

شکر قدرت قدرت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند.

(مولوی، ۱۳۷۱، ص ۴۶)

یکی از نعمت‌های خداوند به انسان که از آن غافل است، تندرستی می‌باشد. کیانوش در شعر زیر با عنوان «از تندرستی چه بهتر؟» با فضا سازی و تصویرپردازی زیبا و قابل درک برای کودکان، این نعمت بزرگ را به آنها گوشزد می‌کند:

تب داشتم دیروز و دیشب/ در رختخواب افتاده بودم/ وقتی که خیلی تند شد تب/ در پیچ و تاب افتاده بودم// می‌خواستم برخیزم از جا/ می‌کرد چشمانم سیاهی/ در جای خود ماندم، خدایا/ با حال بد، خواهی نخواهی// از آفتاب پاک و روشن/ خیلی بدم می‌آمد آن وقت/ انگار دعوا داشت با من/ در چشمم آتش می‌زد آن وقت// از پنجره، شب، ماه از دور/ انگار شکلک در می‌آورد/ تب را که قدری بود پرزور/ با خنده بالاتر می‌آورد// از هرچه خوب و دیدنی بود/ در حال تب بیزار بودم/ با تن پر آتش، سر پر از دود/ نه خواب، نه بیدار بودم// حالا که صبح است و هوا خوش/ حالا که دیگر تب ندارم/ حالم شده، شکر خدا، خوش/ جز یادی از دیشب ندارم// دنیا دوباره خوب و دلخواه/ خورشید خوب و مهربان است/ از پنجره، بی‌ناله، بی‌آه/ چشمم به سوی آسمان است// گویم: خدایا، در جهانت/ از تندرستی چیست بهتر؟/ از داده‌های بیکرانت/ چیزی از این یک نیست بهتر! (کیانوش، ۱۳۷۰، ص ۸۲-۸۴).

کتاب شعرهایی درباره شکرگزار (اسلامی، ۱۳۹۳) مجموعه‌ای است که در قالب اشعار زیبا و ساده کودکان را با آداب و رسوم زندگی و شکر و سپاس خداوند بیشتر آشنا می‌کند.

خدا داده به دریا/ نهنگ و آب و ماهی/ به صبح تازه، خورشید/ به شب داده سیاهی/ خدا داده به خورشید/ تنی نورانی و نرم/ سر انگشتانش از دور/ زمین را می‌کند گرم/ خدا داده به جنگل/ درختان

تومند/ زده او ریشه‌ها را/ به خاک سرد، پیوند/ به شب بخشیده با لطف/ هزار و یک ستاره/ جهان را آفریده/ خدا با یک اشاره (همان، ص ۱۳).

۳. معرفی صفات خداوند

تصویر کودکان از خدا بسیار متأثر از تصویری است که از والدین خود دارند. اگر کودکی والدین خود را قابل اعتماد، مهربان و قابل دسترس بداند، احتمالاً خدا را نیز دارای چنین صفاتی خواهد دانست. از سوی دیگر، اگر والدین خود را خشن، بی تفاوت و بی انصاف بدانند، درباره خدا نیز چنین تصویری خواهد داشت. والدین، در نحوه درک فرزندشان از خدا، بیشترین تأثیر را دارند. به همین خاطر والدین باید صداقت و صراحت داشته باشند، مساوات را رعایت کنند، دروغ نگویند، همدم فرزندانشان باشند. اگر دچار مشکلی شدند، به او کمک کنند و... تا کودک تصویر مناسبی از والدین خود داشته باشد تا در هنگام تطبیق خدا به پدر و مادر، تصویر نیکی از خدا در ذهن او مجسم شود. آشنا کردن کودکان با صفات‌های خداوند، شگردها و مهارت‌های ویژه‌ای می‌خواهد و باید به گونه‌ای بیان شود که در کنار فهم و درک این صفت‌ها، مؤثر هم واقع شود. بسیاری از صفت‌های خداوند در ادبیات کودک آورده شده است که با زبان و تصویری متناسب کودکان به آنها آموزش داده شود. البته توصیف و معرفی خدا نباید تنها منجر به خداشناسی کودک شود؛ بلکه باید خدا به گونه‌ای به کودک معرفی شود که خدا باور شود و آن را در زندگی خود احساس کند.

۳-۱. رحمت، عطف و مهربانی خدا

خداوند تمام بندگان خود را به رحمت و مهربانی خود فرا می‌خواند و می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر، ۵۳). این آیه از امیدبخش‌ترین آیات قرآن مجید نسبت به همه گنهکاران است؛ شمول و گستردگی آن به حدی است که در روایات از آن به «أَوْسَعُ الْآيَاتِ» تعبیر شده است. مهربانی و دلسوزی خداوند چنان است که حتی راضی نمی‌شود آبروی بنده گنهکار و خطاکار ریخته شود و نزد فرشتگان بی‌آبرو شود. یکی از شیوه‌های شاعران ادبیات کودک برای معرفی این صفت خداوند، اشاره کردن به افراد مهربانی چون پدر و مادر است و از این طریق، در کنار آنها از مهربانی خداوند نیز یاد می‌کند تا به واسطه آشنایی کودک با محبت والدین، مهربانی خداوند نیز به گونه‌ای غیر مستقیم برای کودک محسوس شود:

«خدای خوب» مادر، بیا که خواب/ چشم مرا گرفت/ در زیر پلک من/ آهسته جا گرفت// با دست مهربان/ دست مرا بگیر/ یک بوسه ام بده/ از من دو تا بگیر// در گوش من بگو/ با آن صدای

خوش / آرام قصه‌ای / از قصه‌های خوش // «یک مادر و پدر / با بچه‌های خوب / در یک جهان پاک / با یک خدای خوب» (کیانوش، ۱۳۷۰، ص ۴-۵).

رحمت و مهربانی خداوند را می‌توان در آفریده‌های او دید:

به نام خداوند رنگین کمان / خداوند بخشنده مهربان / خداوند زیبایی و عطر و رنگ / خداوند پروانه‌های قشنگ / خداوند باران و نقل تگرگ / نفس‌های باد و تپش‌های برگ / خدایی که لبریز آرامش است / طرفدار سرسبزی و دانش است / خدایی که از بوی گل بهتر است / و از نور و باران صمیمی‌تر است / خدای صمیمی، خدای سلام / خدای غزل، قصه ناتمام / خدایا به ما مهربانی بده / دلی ساده و آسمانی بده / دلی چون دل کوچک باغچه / پر از بال سنجاقک باغچه / دلی مثل گلخانه دوستی / پر از عطر و پروانه دوستی / دلی که به عشق تو وا می‌شود / پر از رنگ و بوی دعا می‌شود (پوروهاب، ۱۳۹۵، ص ۱۶-۱۷).

خداوند در قرآن کریم خود را با صفت «... فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف، ۶۴) معرفی و شعبان‌نژاد در شعری با عنوان «مهربان‌تر از همه» خداوند را این‌گونه برای کودکان توصیف می‌کند:

مهربان‌تر از مادر / مهربان‌تر از بابا / مهربان‌تر از آبی / با تمام ماهی‌ها / مهربان‌تر از گل‌ها / با دو بال پروانه / مهربان‌تر از باران / با درخت و با دانه / مهربان‌تر از خورشید / با گل و زمینی تو / تو خدا، خدا هستی / مهربان‌ترینی تو (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

محبت خداوند هماهنگ با رحمت، عدالت و حکمت اوست و همه کارها و احکام او، مبتنی بر عدالت، حکمت و رحمت است. آری! خداوند از مادر مهربان‌تر است و این امری قطعی است؛ بلکه مهربانی‌های پدر و مادر و دیگران، همه جلوه‌هایی از رحمت و عنایت الهی است. چون اوست که این همه عشق و محبت را در ضمیر والدین نهاده است تا آنان با میل و علاقه تمام تلاش خود را در جهت رشد فرزندان خود به‌کار گیرند.

۳-۲. خالق بودن خداوند

خالقیت جزء صفات ذاتی خداوند سبحان است. خداوند از ازل خالق بوده و تا ابد نیز خالق خواهد بود. آیات زیادی در قرآن به این صفت خدا اشاره دارد: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۹) و «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (الرحمن، ۳).

در ادبیات کودک، شاعران این صفات خداوند را در لابه‌لای آثارشان برای کودکان یادآوری کرده‌اند:

در آسمان بیکران / ستارگان نشسته‌اند / چه خوشه خوشه خوشه‌اند / چه دسته دسته دسته‌اند / کدام دست باهنر / کشیده این ستارگان / کشیده است و می‌کشد / ستارگان بر آسمان / چو باغ آسمان ما / پر

از جوانه می‌شود/ دلم ز نغمه‌های شب/ پر از ترانه می‌شود/ نشست‌ام به یاد تو/ تو ای خدای مهربان/ چه خوب آفریده‌ای/ بر آسمان ستارگان (شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

دیروز می‌گشتم/ در باغ زیبایی // آنجا پر از گل بود/ به به چه گل‌هایی/ برگ درختان را/ باران صفا می‌داد// دلتنگی گل را/ بلبل شفا می‌داد/ گفتم به گوش باغ،/ این نقش‌ها از کیست؟// پیداست استاد است/ نقاشی‌اش عالی است!// آن باغ زیبا گفت: / نقاش این دنیا،// تنها خداوند است/ آن خالق یکتا (صمصامی، ۱۳۹۵، ص ۸۴-۸۵) و (ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۲).

و ابراهیمی در شعری دیگر با بیانی هنری و شاعرانه هر کدام از پدیده‌های هستی را با آرایه تقسیم نشانی از آیات الهی می‌داند:

هر باد و هر نسیمی/ پیغامی از تو دارد/ این، حرفی از تو در دل/ آن، نامی از تو دارد.

یک نقش ساده از توست/ هر جویبار جاری/ تکرار نامی از توست/ آواز هر قناری

... آواز پوپک از توست/ پرواز لک لک از توست/ آن آسمان و این خاک/ یک شعر کوچک از

توست (همان، ص ۶).

اگر عجایب و شگفتی‌های این مخلوقات خداوند با زبانی ساده و کودکانه بیان شود او را تا حد زیادی با خدا آشنا کرده‌ایم.

۳-۳. هدایتگر و راهنما بودن خداوند

رهنمون کردن انسان و دیگر موجودات به راه راست، از صفات خداوند است و با توجه به برخی از آیات قرآن هدایت شامل همه انسان‌ها، و قرآن نیز کتاب هدایتگر برای همه مردم است. خداوند در آیه ۱۸۵ سوره بقره قرآن را کتاب هدایت برای همه مردم می‌داند و می‌گوید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ»؛ ولی برخی از آیات دیگر، هدایت را ویژه مؤمنان، با تقویان، محسنان و... می‌دانند و قرآن نیز تنها هدایتگر این افراد است. برای نمونه در آیاتی گفته شده: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱)، «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران، ۱۳۸)، «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان، ۲ و ۳)، «وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹).

شاعران ادبیات کودک به این صفت خداوند هم بارها اشاره کرده‌اند:

ای خدای مهربان سلام! / من راه را دوباره اشتباه رفته‌ام / مثل اینکه توی چاله گناه رفته‌ام / لطف

کن دوباره ای خدا! / راه را به من نشان بده / توی چاله گیر کرده‌ام / باز هم به بال‌های من / قدر یک

پریدن آسمان بده (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

و شاعری دیگر درخواست تغییر و هدایت برای بهتر شدن دارد:

خدایا، خدایا، تو ما را کمک کن / که جان‌های ما روشنایی بگیرد / گزارد فرو خوی اهریمنی
را / شود پاک و خوی خدایی بگیرد // خدایا، خدایا، تو ما را کمک کن / که از کینه در ما نماند نشانی
/ بگیر از همه فتنه و دشمنی را / به هر کس عطا کن دل مهربانی // خدایا زمین تو دیگر نیازی / به یک
حال و روز خوش و تازه دارد / مدد کن که خوبی نگردد فراموش / بدی بس، خدایا، بد اندازه دارد
(کیانوش، ۱۳۵۸ الف، ص ۱۹).

۳-۴. عظمت خدا

درک عظمت و بزرگی خداوند، برای کودک دشواری خاصی دارد. تنها استفاده از صفت بزرگ برای
خداوند موجب تبیین این ویژگی در ذهن کودک نمی‌شود. از همین روی برخی شاعران با وصف مظاهر
پرشکوه و بزرگ هستی مقدمه‌ای فراهم می‌آورند و با این زمینه‌چینی به بزرگی خداوند اشاره می‌کنند.
آنچنان‌که در شعر زیر، شاعر با اشاره به عظمت خورشید و آسمان و شکوه پدر، می‌گوید که خداوند
از همه بزرگ‌تر است. تمهیدی دیگر که شاعر در این زمینه به‌کار گرفته استفاده از روایت اول شخص
است که قدرت زیادی در باورداشت کودک دارد؛ زیرا مخاطب، شعر را زبان حال خود می‌داند:

گفتم پدر را دوست دارم / چشمم به سوی آسمان بود / خورشید می‌خندید و گوشش / بر گفت و
گوی آسمان بود // شاید صدایم را شنیدند / چون هر دوشان ماندند خاموش / شد گفت و گوی شاد آنها /
با حرف من گویی فراموش // کرد آسمان، با چشم خورشید / در چشم‌های من نگاهی / گفتم، مگر، آی
آسمان، من / با حرف خود کردم گناهی؟ // او گفت: نه، اما نگاهت / انگار حرف دیگری داشت / ما را
چرا می‌دید کوچک؟ / از ما مگر بالاتری داشت؟ // گفتم: بله! در سینه من / مهر پدر صد آسمان است /
در چشم من بالاتر از او / تنها خداوند جهان است! (کیانوش، ۱۳۵۸ ب، ص ۵۸-۵۹).

در شعر زیر شاعر تمام هستی خود را از پرتو توجه خدا می‌داند:

هر چیز دنیا / ناپایدار است / جز او که نامش / پروردگار است // او هر چه باشد / زیبا و پاک است /
ما هر چه داریم / یک مشت خاک است // او جان و ما جسم / او مغز و ما پوست / پس هر چه داریم / از
پرتو اوست (شعبانی، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

۴. آموزش دعا و ستایش خداوند

یکی از ابعاد مهم تربیت دینی در دوره کودکی، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل
پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی
می‌باشد. تربیت عبادی کودکان اهمیت ویژه‌ای در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. بسیاری از

افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادت‌ها سستی از خود نشان می‌دهند، بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند؛ بلکه عواملی چون بی‌توجهی و یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی، عدم ورزشی‌گری کودکان در انجام عبادت‌ها در کودکی و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت آنها، در این زمینه نقش دارد. موضوع دعا همواره مورد توجه مربیان دینی و حوزه‌های گوناگون دانش بشری، به‌ویژه روان‌شناسی بوده است که در ارتباط با بهداشت و سلامت روان، ایجاد آرامش در افراد بسیار مؤثر بوده است.

راز و نیاز و گفتگو با خداوند از کهن‌ترین موضوعات شعری است که از یک‌سو در بردارنده مضمون‌ها و اندیشه‌های متعالی و پشتوانه عمیق با به‌کارگیری تلمیح به آیات و احادیث است و از سویی دیگر از حیث ادبی جزء هنری‌ترین و تأثیرگذارترین اشعار محسوب می‌شود که در آن هنرمند با زبان و لحنی خاصانه به ستایش پروردگار و راز و نیاز و گفتگو با او می‌پردازد. قرارگیری شاعر در برابر عظمت و توانایی خداوند موجب می‌شود موضوعات مختلفی را با او در میان نهد؛ در همین راستا محتوای گفتگو و راز و نیاز با خداوند بسیار گسترده و متنوع است و این نوع اشعاری بستری است که شاعر از احساس و عواطف خود نسبت به او، آرزوها و تمایل‌ها و گناه‌گلايه‌ها و شکایت‌های خود از مردم زمانه با وی مطرح کند. در قرآن، انسان بارها به عبادت و راز و نیاز با خداوند فرا خوانده شده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً (احزاب، ۴۱ و ۴۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را یاد کنید؛ یادی بسیار و صبح و شام او را به پاکی بستایید».

شاعران ادب کودک نیز در راستای این آموزه، تحمیدیه و راز و نیازهای متنوعی سروده و صفت‌های مختلفی از خداوند را که بنیادی قرآنی دارند در آن ذکر کرده‌اند:

پروردگارا/ بخشنده پاک/ سازنده جان/ از گوهر خاک// ما را نیرومند/ در جان و تن کن/ دل‌های ما را/
شاد و روشن کن// از راز خوبی/ دانایی مان بخش/ در تاریکی‌ها/ بینایی مان بخش// نامت می‌راند/ هر
بدبختی را/ آسان می‌دارد/ بر ما سختی را// دور از یاد تو/ سرگردان هستیم/ با درد بسیار/ بی‌درمان هستیم//
در انسان بودن/ یاری کن ما را/ از مهر و پاکی/ پر کن دنیا را (کیانوش، ۱۳۵۸، ب، ص ۴۲-۴۳).

یکی از کارکردهای مهم تحمیدیه در شعر - به‌ویژه شعر کودک - ایجاد حس خصوع و فروتنی نسبت به خداوند در کودک است. سوز و گداز و حس تضرع و فروتنی و صمیمیت لحن در آن به حدی است که مجالی برای اظهار فضل و خودنمایی نمی‌گذارد. زبان و بیان هنرمند به آن درجه از شفافیت و روانی می‌رسد که گاه در ذهن مخاطبان نقش می‌بندد و مانند ذکر مقدس گاه در شروع کار یا نیایش‌های خود آن را بر زبان جاری می‌کنند:

دعا که می‌کنی، خدا/ تو را نگاه می‌کند/ شب سیاه را پر از/ بلور ماه می‌کند// دعا که می‌کنی، دلت/ پر از سپیده می‌شود/ میان هر قنوت تو/ بهشت، دیده می‌شود// پر از فرشته می‌شود/ اتاق بی‌ریای تو/ دوباره خیس می‌شود/ ز عطر گل، عباي تو// صدای تو سکوت را/ هزار تکه می‌کند/ به روی جانماز تو/ ستاره چکه می‌کند// ... شکفته بر لبان تو/ شکوفه‌های ربنا/ چه باصفاست، لحظه‌ای/ که می‌کنی خدا خدا ... (هنرجو، ۱۳۹۱، ص ۷۸-۷۹).

یکی از مسائلی که در شعر کودک بسیار مورد توجه قرار دارد تسبیح و ستایش و دعا کردن همه موجودات است تا کودک نپندارد که فقط انسان‌ها این کار را می‌توانند انجام دهند. این باعث می‌شود که حس همراهی و همدلی در کودک تقویت شود و تلاش کند که از دیگر موجودات عقب نیفتد:

درخت‌ها و سنگ‌ها/ نشسته‌اند در سکوت/ یکی به سجده رفته است/ گرفته آن یکی، قنوت

به سوی آسمان، بغل/ گشوده رود مهربان/ و بوسه می‌زند به آب/ نگاه گرم آسمان

علف و بوته، پیش هم/ نشسته، فکر می‌کنند/ و ریگ‌ها کنارشان/ دعا و ذکر می‌کنند

به روی شاخه‌ای بلند/ پرنده‌ای نشسته است/ مسافری ست در نماز/ نماز او شکسته است

پرنده و درخت‌ها/ و رود و سنگ و بوته‌ها/ همه به سجده رفته‌اند/ به سوی خانه خدا

(ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص ۸).

در مسیر تربیت اسلامی و تربیت عبادی افزون بر توجه به یاد خدا و برپایی نماز، آموزش ارتباط با خداوند، به‌ویژه در قالب دعا و قرائت قرآن بسیار مؤثر است. برای ترویج و آموزش دعا به‌ویژه درک درست از اجابت دعا آموزش‌های لازم در قالب کتاب، فیلم، تک‌نگاره و... به کودکان بسیار مؤثر است و از این طریق روح امید به فضل الهی و رسیدن به کرامت نفسانی در زندگی دمیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

شناخت روش‌ها و اصول مربوط به آموزش مفاهیم دینی به کودکان ضرورت دارد. یکی از این روش‌ها، استفاده از قصه‌ها، داستان‌ها و شعرهاست که همواره مورد توجه والدین و مربیان بوده است. از میان مفاهیم قرآنی، خداشناسی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم است که شاعران نیز از آن بهره برده و در شعر خود انعکاس داده‌اند. آموزش این مفهوم در ادبیات کودک به اقتضای درک و فهم مخاطب آن، ظرافت خاصی می‌طلبد و نیازمند برداشت‌های غیرمستقیم از مفاهیم و گزاره‌های عمیق و متعالی قرآن و انتقال آن در فضایی خیال‌انگیز و کودکانه است و اگر به شیوه بزرگسالان آموخته شود، کودک علاقه‌ای به یادگیری این مفهوم نشان نخواهد داد.

شاعران ادبیات کودک شگردهای مختلفی به‌کار گرفته‌اند. تقریباً در همه این اشعار، خدا با

رویکردی عاطفی و لحنی کودکانه و دوری از فاضل‌نمایی و دشوارگویی به کودک معرفی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که شاعر به جای کودک می‌نشیند، به جای او و با زبان او شعر می‌سراید که این امر، بار عاطفی شعر را بیشتر می‌کند. یکی از راه‌های شناخت خداوند به کودک جلب توجه او به مظاهر آفرینش است؛ البته شاعر، مظاهری را برمی‌گزیند که برای کودک آشنا باشد تا بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

از دیگر شیوه‌های خداشناسی معرفی نعمت‌های خداوند است. آشنایی کودک با نعمت‌های الهی او را به خداوند آشناتر و نزدیک‌تر می‌سازد. آشنا کردن کودک با صفات خداوند راه دیگری است که خداشناسی به او آموزش داده شود. صفات خداوند راهی برای آشنا شدن بیشتر با خداست. آموزش دعا و راز و نیاز با خداوند شگرد دیگری برای آشنا ساختن کودک با خداست که در شعر کودک به چشم می‌خورد.

منابع

کتاب‌ها

- * قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- * نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱. ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۱)، می‌شمارم برگ‌های باغ را، مشهد: به نشر.
 ۲. اسلامی، مریم (۱۳۹۳)، شعرهایی برای شکرگزاری، تهران: قدیانی.
 ۳. پوروهاب، محمود (۱۳۹۵)، فارسی سوم دبستان (خوانداری)، تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 ۴. سیف، علی اکبر (۱۳۸۸)، روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: دوران.
 ۵. شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۸۶)، خدایا تو خوبی (آثار شاعران معاصر برای نوجوانان)، تهران: کتاب نیستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 ۶. شعبانی، اسدالله (۱۳۸۶)، خدایا تو خوبی (آثار شاعران معاصر برای نوجوانان)، تهران: کتاب نیستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 ۷. _____ (۱۳۹۵)، تکه‌ای از دریا: گزیده شعر برای نوجوانان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 ۸. صمصامی، نسرین (۱۳۹۵)، فارسی سوم دبستان (خوانداری)، تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 ۹. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۵)، رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی، تهران: قدیانی.
 ۱۰. کیانوش، محمود (۱۳۵۸ الف)، آفتاب خانه ما (دفتر ششم)، تهران: انتشارات توکا.
 ۱۱. _____ (۱۳۷۰)، باغ ستاره‌ها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 ۱۲. _____ (۱۳۵۸ ب)، طاق هفت رنگ، تهران: توکا.
 ۱۳. عبرت نائینی، محمدعلی (۱۳۷۶)، دیوان کامل عبرت نائینی، به تصحیح و اهتمام مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: سنائی.
 ۱۴. علاء، افشین (۱۳۹۰)، نسیم دختر باد، تهران: قدیانی.
 ۱۵. مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۱)، مثنوی معنوی، به سعی و اهتمام رینولد نیکلسون، تهران: امیرکبیر.

۱۶. نیک‌طلب، بابک (۱۳۹۴)، نردبانی از ستاره، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۷. هاشمی، منیژه (۱۳۹۱)، خوش به حال رودخانه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۸. هنرجو، حمید (۱۳۸۷)، پنجره‌های آسمان (۷۲ شعر درباره خداوند)، به همت بابک نیک‌طلب، تهران: نشر افق.
۱۹. _____ (۱۳۹۱)، کاشکی مال من بود بالت، تهران: تجلی مهر.

مقالات

۲۰. استاذزاده، زهرا (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «بررسی محتوایی اشعار کودکان پروین دولت آبادی»، مطالعات ادبیات کودک، ش ۲، ص ۱-۲۴.
۲۱. اسکندری، حسین (آبان ۱۳۷۳)، «بررسی مفهوم خدا در کودکان ۴ تا ۱۲ ساله»، تربیت، ش ۹۲، ص ۶-۹.
۲۲. باهنر، ناصر (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، «تعلیم و تربیت و دنیای ناشناخته دینی کودکان»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲، ص ۲۰۳-۲۳۵.
۲۳. سلیمانی، محمدرضا؛ میمنت عابدینی؛ حسین فقیهی و فروزان عشوری (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «تحلیل محتوای مؤلفه‌های دینی در مجلات کودک و نوجوان»، تربیت اسلامی، ش ۲۳، ص ۷-۱۹.
۲۴. فضل‌الله، محمدرضا (پاییز ۱۳۷۹)، «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، ترجمه فرزدق اسدی، تربیت اسلامی، ش ۳، ص ۱۳۹.
۲۵. محسن‌پور، بهرام (تابستان ۱۳۸۸)، «نقش پیش‌فرض‌های متافیزیکی در تحقیقات روان‌شناسی و علوم تربیتی»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۵۹، ص ۲۳-۳۷.
۲۶. محمدی، مهدی (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «بررسی داستان‌های دینی کودکان و نوجوانان...»، مطالعات ادبیات کودک، ش ۱، ص ۱۱۰-۱۳۸.
۲۷. نوذری، محمود (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «آموزش دینی در دوره کودکی: ارزیابی انتقادی رویکرد روان‌شناختی»، تربیت اسلامی، سال ششم، ش ۱۳، ص ۱۷۳-۱۹۲.
۲۸. نعیمی، زری (پاییز ۱۳۷۹)، «خدا، خشونت و عشق (پژوهشی در آسب‌شناسی ادبیات کودک)»، پژوهشنامه ادبیات کودک، ش ۲۲، ص ۱۲-۳۵.